

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته حقوق - خصوصی

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۲۰

موضوع:

بررسی اصول و مبانی فقهی مسئولیت مدنی

استاد راهنما:

دکتر روشنعلی شکاری

استاد مشاور:

دکتر محمد زاده

تهیه و تنظیم:

علی گل برار زاده شیرتبار

بهار ۱۳۸۱

۴۴۲۱۴

از اطلاعات مرکز علمی ایران
تیم پشتیبان مرکز

تقدیم به پدر عزیز و مادر مهربان
و مهربان دلسوز و استادان مشفق
که چگونه زیستن را به ما آموختند .

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---|---|
| ۱ | مقدمه : (موضوع و هدف طرح) |
| کلیات : مسوولیت مدنی | |
| مبحث اول - مسوولیت مدنی در حقوق | |
| ۳ | اول: مفهوم مسوولیت مدنی |
| ۳ | دوم: تفاوت مسوولیت مدنی با مسوولیت اخلاقی |
| ۵ | سوم: تفاوت مسوولیت مدنی با مسوولیت کیفری |
| ۶ | چهارم: سیر تحول مسوولیت مدنی |
| ۸ | پنجم: نظریه های مهم در رابطه با مسوولیت مدنی |
| مبحث دوم - مسوولیت مدنی در فقه | |
| ۱۷ | اول : مسوولیت مدنی در قرآن |
| ۱۹ | دوم : مسوولیت از دیدگاه فقها |
| فصل اول - مسوولیت مبتنی بر تقصیر | |
| گفتار اول : تعریف تقصیر و ارکان آن | |
| مبحث اول : تعریف تقصیر | |
| اول : معنی لغوی تقصیر و موارد استعمال آن در فقه | |
| ۲۴ | الف : معنی لغوی تقصیر |
| ۲۵ | ب : موارد استعمال تقصیر در حقوق موضوعه |
| ۳۱ | دوم : تعریف تقصیر در حقوق اسلام و موارد استعمال آن |
| ۳۲ | الف : مصادیق تقصیر در ودیعه |
| ۳۴ | ب : مفهوم عرفی و اجتماعی تقصیر |
| ۳۹ | ج : توجه به ضرورت مفهوم عرفی تقصیر در فقه و حقوق موضوعه |
| ۴۱ | د : ظابطه تشخیص تقصیر در فقه اسلامی |
| مبحث دوم : عناصر تقصیر | |
| اول : عنصر مادی : | |
| ۴۳ | الف : تقصیر با انجام فعل مثبت |
| ۴۵ | ب : تقصیر از نوع فعل سلبی یا ترک فعل |

- ۴۶ یک . نظریه مسئولیت آور بودن فعل سلبی
- ۴۶ دو . نظریه عدم مسئولیت آور بودن فعل سلبی
- ۴۷ سه . فقه امامیه

دوم : عنصر معنوی

- ۴۸ الف : نقش اراده در فقه اسلامی
- ۵۱ ب : لزوم یا عدم لزوم تمیز در شخص مسئول
- ۵۲ ج : بررسی تمیز در حقوق موضوعه
- ۵۲ یک . حقوق ایران
- ۵۶ دو . حقوق موضوعه پاره ای از کشورهای اسلامی

سوم : عنصر قانونی

الف : مفهوم غیر قانونی

- ۵۷ بند اول : تقصیر و غیرقانونی بودن
- ۵۹ بند دوم : نقض قواعد عرفی

ب : افعال مشروع

- ۶۱ بند اول : دفاع مشروع
- ۶۴ بند دوم : اضطرار

گفتار دوم : آثار تقصیر

- ۶۷ مبحث اول : آثار تقصیر فاعل زیان (رابطه سببیت)
- ۶۸ اول . بررسی تسبیب
- ۶۹ الف . تعاریف فقها از تسبیب
- ۷۱ ب . معنای سبب
- ۷۲ دوم : دامنه حق فعالیت و تحرک اشخاص

مبحث دوم : آثار تقصیر شخص ثالث

- ۷۳ اول : اجتماع اسباب
- ۷۵ الف . ضمان سبب مقدم در تاثیر
- ۷۶ ب . ضمان هر دو سبب
- ۷۷ ج . ضمان سبب موخر در وجود
- ۷۷ د . ضمان سبب اقوی

دوم : تقسیم خسارت بین اسباب مسوول

- ۷۸ الف. مسئولیت تضامنی
- ۷۹ ب. تقسیم مسوولیت به نسبت درجه تقصیر
- ۸۰ ج. تقسّم مسوولیت به طور مساوی
- ۸۰ مبحث سوم: آثار تقصیر زیان‌دیده
- ۸۱ اول: تقصیر زیان‌دیده از مصادیق قوه قاهره است
- دوم: تقصیر زیان‌دیده از مصادیق قوه قاهره نیست
- ۸۱ الف. عمدی بودن یکی از تقصیرها
- ۸۲ ب. یکی از تقصیرها نتیجه تقصیر دیگری است
- ۸۲ ج. استقلال هر یک از تقصیرها نسبت به دیگری

فصل دوم: مبانی مسوولیت بدون تقصیر

- ۸۵ گفتار اول: مبانی مسوولیت بر اثر اتلاف
- مبحث اول: بررسی مدارک و مراد و قلمرو قاعده
- ۸۷ اول: بررسی مدارک قاعده اتلاف
- ۹۲ دوم: مراد و منظور قاعده
- ۹۵ سوم: نقش اراده و تمییز در تحقق مسوولیت
- مبحث دوم: مصادیق خاص اتلاف
- اول: مصادیق اتلاف به تسبیب
- ۹۷ الف. مسوولیت ناشی از محافظت و مالکیت حیوان
- ۹۸ ب. خسارت ناشی از حیوان سواری
- ۱۰۰ ج. مسوولیت ناشی از برافروختن آتش و رها کردن آب
- ۱۰۱ د. شهادت زور و دروغ
- دوم: مصادیق خاص اتلاف به مباشرت
- ۱۰۲ الف. مسوولیت پزشک
- ۱۰۵ ب. ضمان ناشی از تادیب
- ۱۰۶ ج. اتلاف در حالت خواب (نائم)
- ۱۰۶ بند اول: اتلاف به وسیله غیر دایه
- ۱۰۷ بند دوم: اتلاف به وسیله دایه
- ۱۰۷ د. تلف زن در اثر جماع مرد

| | |
|-----|---|
| ۱۰۸ | ذ. تلف چیزی در اثر حمل شئی |
| | مبحث سوم : مسقطات ضمان مباشر |
| ۱۰۸ | مقدمه : اجتماع سبب و مباشر |
| ۱۱۰ | اول : غرور |
| ۱۱۲ | دوم : اکراه |
| ۱۱۵ | سوم : قاعده اعذر من حذر |
| ۱۲۰ | چهارم : احسان و نیکوکاری |
| | گفتار دوم : مبانی مسئولیت براساس علی الید |
| | مبحث اول : مفهوم غضب |
| ۱۲۲ | اول : مدارک و مستندات قاعده |
| ۱۲۵ | دوم : تعریف غضب |
| ۱۲۶ | الف. لزوم استیلاء |
| ۱۲۶ | ب. استیلاء مشترک |
| ۱۲۷ | ج. تصرف نامشروع |
| ۱۲۸ | د. عدوان |
| ۱۲۸ | ذ: حق مورد تجاوز |
| | مبحث دوم : آثار غضب |
| ۱۲۹ | اول: بازگرداندن عین |
| ۱۳۰ | الف. نتایج امکان الزام غاصب |
| ۱۳۳ | ب. حکم ضمان منافع مال مغضوب |
| ۱۳۵ | دوم : دادن بدل |
| ۱۳۶ | ماهیت حقوق بدل |
| ۱۳۷ | الف. بدل حیلوله |
| ۱۴۰ | ب. دادن مثل یا قیمت |
| ۱۴۰ | ۱- مفهوم مثلی و قیمی |
| ۱۴۲ | ۲- تعیین قیمت مال مغضوب |
| ۱۴۲ | زمان تقویم |
| ۱۴۳ | مکان تقویم |
| | مبحث سوم : مبنای تضامن و توزیع مسئولیت در فقه |

| | |
|---|--|
| ۱۴۵ | اول : مبنای تضامن غاصبان در فقه |
| ۱۴۹ | دوم : مبنای توزیع مسئولیت در فقه |
| فصل سوم : قاعده لاضرر و جلوگیری از سوء استفاده از حق | |
| ۱۵۲ | مقدمه : نسبت قاعده لاضرر با مبنای رایج مسئولیت |
| | گفتار اول : بررسی مستندات و مفاعد قاعده |
| ۱۵۴ | مبحث اول : مستندات |
| ۱۵۷ | مبحث دوم : مفهوم قاعده |
| ۱۵۷ | الف. معنی لا ضرر و لا ضرار با توجه به معنی ضرر و ضرار |
| ۱۶۰ | ب. تعریف لا ضرر |
| ۱۷۵ | ج. بیان مفهوم و مفاد هیأت ترکیبی قاعده |
| ۱۶۹ | د. ضابطه ضرر نوعی است یا شخصی |
| | گفتار دوم : قلمرو قاعده لاضرر |
| ۱۷۰ | مبحث اول : آیا لا ضرر فقط حکم ضرری را نفی می کند یا اعم است از نفی و اثبات |
| ۱۷۱ | الف. نظر طرفداران اثبات حکم به وسیله قاعده لا ضرر |
| ۱۷۳ | ب. نظر کسانی که معتقدند لا ضرر نفی حکم می کند نه اثبات حکم |
| | مبحث دوم : لا ضرر و استفاده آن در رفع زیان |
| ۱۷۵ | الف. عدم النفع |
| ۱۷۵ | اول . ماهیت عدم النفع |
| ۱۷۶ | دوم. نظر فقهای امامیه در خصوص « عدم النفع » |
| ۱۸۳ | ب. ضمانت اجرای قاعده لا ضرر |
| ۱۸۳ | اول : ضمانت اجرا در فقه اهل سنت |
| ۱۸۷ | دوم . ضمانت اجرای لا ضرر در فقه امامیه |
| | مبحث سوم : رابطه قاعده لا ضرر با دیگر ادله احکام |
| ۱۹۱ | الف. تعارض لا ضرر با نفی حرج |
| ۱۹۲ | ب. تعارض دو ضرر |
| ۱۹۲ | ج. تعارض لا ضرر با قاعده تسلیط |
| ۱۹۵ | نتیجه |

موضوع و هدف از طرح مبنای مسئولیت چیست ؟

مسئولیت مدنی به دو نوع ، مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری تقسیم می شود . در نوع اول ، صرف عدم انجام قرارداد دلیل بر مسئولیت فرد می باشد و از فرد خواننده دیگر دلیلی بر اینکه او نتوانسته است قرارداد را انجام دهد خواسته نمی شود ، مگر اینکه اثبات نماید عدم انجام تعهد بوسیله قوه قاهره بوده است . از این نوع مسئولیت که بگذریم با نوع دیگر از مسئولیت که ، در حقوق به آن مسئولیت قهری یا الزامهای خارج از قرارداد نامیده می شود مواجهه می شویم . در این تحقیق آنچه هدف و چهارچوب کار را تشکیل می دهد عبارتست از : مبنای و اصول فقهی مسئولیت مدنی ؛ یعنی بررسی آن دسته از مبنای و اصولی که در فقه تحت عنوان موجبات ضمان بحث شده است ، البته لازم است که این مطلب را ذکر کنیم هر چند که در حقوق ، مسئولیت قهری و قراردادی زیرمجموعه مسئولیت مدنی می باشد و برای هر کدام از مسئولیت شرایطی لازم است تا موجبات ضمان به وجود آید ، ولی در فقه دیگر مسئولیت قهری و قراردادی به عنوان زیر مجموعه مسئولیت مدنی از هم تفکیک نشده اند . بلکه آنچه را که فقها پیرامون آن بحث نمودند ، عبارت از موجبات ضمان می باشد که تحت عنوان اتلاف و تسبیب و ید بررسی نمودند ، هر چند گاه قواعدی تحت عنوان قاعده ما یضمن و قاعده مقبوض بالسوم و غیره دارد ولی بحث اصلی فقها دائر بر مدار آن سه عناوین مذکور فوق می باشد . در مورد لاضرر بیشتر فقها آن را جزء اسباب ضمان بشمار نمی آورند . ما هم در این تحقیق ، با معیار قرار دادن تقسیم بندی فقها ، مبنای مسئولیت را به تقصیر ، بدون نقصیر و قاعده لاضرر و مفاد آن تقسیم می کنیم .

در فصل اول می خواهیم ببینیم که تسبیب چه نقشی در ایجاد مسئولیت دارد و چه شرایطی برای آن لازم می باشد و کلاً تقصیر چه جایگاهی در مبنای فقهی مسئولیت مدنی دارد با توجه به اینکه در فصل اول ، تقصیر جایگاه و نقش ویژه ای در تحقق مسئولیت دارد و اصولاً کسی را بایستی مسئول دانست که مقصر باشد ، ولی در فصل دوم به بررسی مسائلی می پردازیم که هر چند شخص مرتکب تقصیر نشده است باز هم باید مسئول شناخته شود . در این فصل باز نوع مسئولیت باهم متفاوت است چرا که هر چند در

تقصیر نشده است باز هم باید مسئول شناخته شود. در این فصل باز نوع مسئولیت باهم متفاوت است چرا که هر چند در اتلاف، شخص متلف علی رغم اینکه مرتکب تقصیر نشده است باز هم مسئول است هر چند که در اینجا رابطه سببیت بین فعل شخص و طرف وجود ندارد ولی رابطه علیت بین فعل خواننده و تلف وجود دارد یک نوع مسئولیتی وجود دارد با توجه به اینکه هیچ رابطه علیتی هم بین فعل خواننده و ضرر وجود ندارد باز هم مسئول می باشد و این مسئولیت هم مربوط به فعل غاصب می باشد یعنی در صورت تحقق غصب، غاصب در هر حال مسئول می باشد هر چند که مرتکب تلف نشده باشد باز هم مسئول است و مسئولیت عینی دارد. و در فصل سوم هم به بررسی قاعده لاضرر می پردازیم تا اینکه بینم در اینجا که شخص مرتکب تقصیر نشده است و مرتکب غصب و اتلاف نشده است بلکه با اینکه حق خود را اعمال می نماید و مرتکب هیچ عملی زیانباری نشده است باز هم ممکن است بعلت تجاوز به حقوق دیگران ضامن شناخته شود و در نهایت به نتیجه گیری از این پایان نامه پرداخته، تا ببینیم که کدامیک از اصول کاربرد بیشتر در فقه داشته است و همچنین چه ارتباطی بین اصول و مبانی فقهی و اصول حقوقی رایج مسئولیت مدنی وجود دارد.

در مورد شیوه تحقیق باید یادآوری شود که بیشتر از شیوه کتابخانه ای و با استفاده از کتاب فقها به

جمع آوری مطالب پرداخته، هر چند که کتابهای فارسی نیز در این زمینه ما را یاری نمودند.

کلیات

مسئولیت مدنی

مبحث اول : مسئولیت مدنی در حقوق

اول : مفهوم مسئولیت مدنی

ارائه تعریف از مسئولیت مدنی کمی دشوار به نظر می رسد ، زیرا در تعریف بایستی به معنای مسئولیت که مرکز تضارب افکار است نیز اشاره شود و به تعبیر برخی از حقوقدانان ، اگر در بین مباحث حقوق مدنی سزاوار باشد مستقیماً به موضوعی بپردازیم بدون توجه به تعریف آن ، همین بحث مسئولیت مدنی خواهد بود .^(۱)

به هر حال تعاریف متعددی از مسئولیت مدنی به عمل آمده است که به برخی از آنها اشاره می شود .

۱. مسئولیت مدنی حالتی است که قانوناً شخص ملزم است ضرری را که به

دیگری به واسطه خطای خود ایراد نمود جبران نماید . تعریف فوق مبتنی بر نظریه خطا یا تقصیر است و برای تحقق مسئولیت وجود ضرر را کافی نمی داند .

۲. مسئولیت مدنی تعهداتی است که بر دوش فرد گذاشته می شود و ناشی از

فعالتهای اوست حتی در صورتی که مرتکب خطا یا تقصیری نشده باشد .

تعریف مزبور که به ساواتیه نسبت داده می شود به موضوعی بودن ملاک مسئولیت مدنی اشاره

می کند . مهمترین بحثی را که ما را در شناخت مسئولیت مدنی کمک و یاری می کند بررسی مبنای مسئولیت مدنی است .

دوم : تفاوت مسئولیت مدنی با مسئولیت اخلاقی :

هر چند که بین مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی ارتباط زیادی وجود دارد و خود کلمه

مسئولیت بر گرفته از اخلاق می باشد و رنگ و طنین اخلاقی دارد با وجود این ، در نظام کنونی بین

^۱ - حسن علی الذنون ، المبسوط فی المسئولیت المدنیه ، ص ۱۱

مسئولیت اخلاقی و مدنی باید تفاوت گذارد: مسئولیت اخلاقی، به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیشتر جنبه شخصی دارد. از داوری های عموم به دشواری می توان قاعده ثابتی را بدست آورد و بر طبق آن، از نظر اخلاقی کسی را محکوم و مسئول شناخت. مفهوم این: مسئولیت نیز هیچ گاه از تقصیر جدا نیست باید شخص به کار نکوهیده دست زند تا قابل سرزنش باشد ولی مسئولیت مدنی رفته رفته جنبه نوعی و اجتماعی می یابد معیارهای کلی پیدا می کند و تقصیر نیز از مفهوم اخلاقی خود فاصله می گیرد و راه یافتن فکر ناشایسته در مغز انسان از لحاظ اخلاق مکروه است و مسئولیت به بار می آورد برعکس در جهان حقوق تا فکر جنبه بیرونی نیابد و در انجام یا خودداری از انجام کاری تجسم پیدا نکند نه خطایی محقق می شود و نه مسئولیتی به بار می آید.

در مسئولیت مدنی، ورود ضرر شرط تحقق و از ارکان مسئولیت است، لیکن در پیشگاه اخلاق همین که وجدان شخص متأثر و شرمسار شود یا توده مردم کاری را ناشایسته بینند مسئولیت بوجود می آید هر چند که زیانی به دیگری نرسیده باشد.

از نظر ضمانت اجرا نیز، این گونه مسئولیت با هم تفاوت کلی دارند در مسئولیت مدنی زیان دیده می تواند جبران آن را از دادگاه بخواهد و حمایت دولت را جلب کند، ولی مسئولیت اخلاقی را نمی توان در دادگاه طرح کرد و داوری درباره آن به دولت و مأموران آن سپرده نشده است. از نظر قلمرو نیز گاه احکام حقوق و اخلاق با هم متفاوت است.^(۱)

در جایکه از خطای ناچیز زیانی بزرگ بوجود می آید. حقوق در مسئول شناختن مرتکب تردید نمی کند، در حالیکه اخلاق آن را عادلانه نمی بیند و تناسب بین درجه تقصیر و میزان مسئولیت را لازم می داند.^(۲)

^۱ - ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج یک، شماره ۱۷۰ به بعد

^۲ - ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، ج یک، ص ۴۸، دکتر عبدالمجید امیری قائم مقامی، حقوق تعهدات، ج یک

سوم : تفاوت مسئولیت مدنی با مسئولیت کیفری :

در حقوق کنونی با توجه به این که بین این دو نوع مسئولیت روابط تنگاتنگی وجود دارد ، ولی از جهات گوناگون این دو از هم متفاوت هستند . که به شرح زیر می توان خلاصه ای از آنها را بیان نمود :

۱. هدف از ایجاد این دو مسئولیت یکسان نیست . در حقوق جزا ، چون مجرم به

کاری دست زده است که از جهت نظم عمومی تحمل ناپذیر می نماید ، جامعه بدینسان از خود دفاع می کند و متجاوز را به کیفر می رساند . مجازاتهای اعدام و حبس و غرامت و تبعید به منظور جبران خسارت عمومی و تنبیه سایرین و اصلاح مجرم مقرر شده است و در همه آنها حفظ منافع عموم در نظر گرفته میشود . ولی ، در مسئولیت مدنی ، هدف جبران خسارت فردی است . تحول حقوق جزا نیز مفهوم خسارت را رفته رفته جانشین مجازات می سازد . اما ، در این زمینه نیز خسارت جنبه اجتماعی و عمومی دارد نه فردی .

۲. از جهت منبع مسئولیت نیز ، جرم ناشی از قانون است و نمی توان هر کار

ناپسند و زیانبار را جرم شمرد . در امور کیفری قیاس روا نیست . و اصل « قانونی بودن مجازات » ضامن حفظ حقوق فردی در برابر دولتها است . ولی ، در مسئولیت مدنی ، این حکم بعنوان قاعده پذیرفته است که ، « هرکس به دیگری خسارتی وارد کرد باید آن را جبران کند » دادرس نیازی ندارد که برای هر مسئولیت مبنای قانونی ویژه بدست آورد معیار اصلی خطا داوری عرف است . و رویه قضایی و عقاید علما در این زمینه نقش فعال دارد و می تواند تقصیری ناشناخته بوجود آورد یا گاه آن را مفروض بداند .

۳. قلمرو این دو نوع مسئولیت هم متفاوت است : پاره ای از جرائم ، با اینکه

مجازاتهای کم و بیش سنگین دارد ، چون برای اشخاص خسارتی ایجاد نمی کند با مسئولیت مدنی همراه نیست ، مانند جرائم سیاسی و ولگردی ، همچنانکه پاره ای از مسئولیتهای مدنی نیز جرم محسوب نمی شوند . هرگاه مالکی در ملک خود تصرفی خارج از حدود متعارف کند و از این راه زیانی به همسایه برسد ، از لحاظ مدنی مسئول است ولی مجرم نیست .

خطاهایی که مسئولیت مدنی بیار می آورد ، بطور معمول از بی مبالاتی و بی احتیاطی سرچشمه می گیرد و مسئول ، ورود زیان را بعنوان نتیجه کار خود نمی خواهد . گاه نیز قانون کسی را که هیچ کار قابل سرزنشی از او سرزده است مسئول می شناسد و جبران خسارت زیان دیده بیش از تقصیر عامل توجه دارد ولی ، در حقوق کیفری جرم غیر عمد جنبه استثنا دارد و داشتن نیت بد یکی از عناصر جرم است و موردی وجود ندارد که قانون کسی را بدون تقصیر مجرم شناسد .

۴. رسیدگی در امور کیفری بیشتر جنبه شخصی دارد و نیست متهم و هدف او از ارتکاب بزه در تعیین مجازات موثر است ، رفته رفته این قاعده شهرت می یابد که در دادرسی های کیفری شخصیت مرتکب مطرح است نه جرم ، اصلاح مجرم و لزوم مبارزه با ارتکاب جرم جنبه نوعی دادرسی را از بین می برد و مجازات را شخصی می کند .

برعکس در مسئولیت مدنی ، مصالح اجتماعی ایجاب می کند که خطا مفهوم اخلاقی خود را از دست بدهد و جنبه اجتماعی و نوعی پیدا کند . معیار تمیز و خطا رفتار عادی مسئول یا واکنش های درونی او نیست ، بلکه معیار رفتار انسانی متعارف است ضابطه ، نوعی و اجتماعی است و مجنون و صغیر غیر ممیز نیز ، با این که قابلیت تمیز را ندارند ، مسئولیت پیدا می کند .

۵. از نظر آیین دادرسی ، دعوای کیفری بوسیله دادستان اقامه می شود و تشریفات

ویژه ای دارد . صلاحیت رسیدگی در این دعوا با محاکم جزایی است و مرور زمان خاص دارد . ولی مسئولیت مدنی را دادگاه جزا بطور تبعی رسیدگی می کند و در دادگاه های مدنی نیز قابل طرح است^(۱) .

چهارم . سیر تحول مسئولیت مدنی

سیر اجمالی در تاریخ مسئولیت مدنی نشان می دهد که این مسئولیت بطور مستمر در حال توسعه بوده است در آغاز ، در موارد خاصی ، فقط مسئولیت مدنی بوجود می آمد . کم کم این

۱ - ناصر کاتوزیان - ضمان قهری - ج یک - ص ۵۲ - سید مرتضی قاسم زاده - مبنای مسئولیت مدنی - ص ۱۶

مسئولیت توسعه یافت تا این که نظریه تقصیر بصورت یک قاعده عامی پذیرفته شد و فرد موظف به جبران خسارت هر حادثه زیان باری شناخته شد که ناشی از تقصیر وی بود .

از آن جایی که طبق این نظریه اثبات تقصیر به عهده زیان دیده بود و اثبات آن در مواردی با مشکل مواجه می گردید موضوع مفروض بودن تقصیر ، مدعی را از اثبات تقصیر معاف می ساخت و این خود موجب توسعه مسئولیت مدنی گردید . در حال حاضر نظریه تقصیر نیز جای خود را در بعضی موارد به نظریه خطر یا مسئولیت بدون تقصیر داده است و برای ایجاد مسئولیت نه تنها لزومی به اثبات تقصیر نیست ، بلکه اثبات عام تقصیر نیز از مسئولیت او نمی کاهد .

اخیراً به موضوع مسئولیت مدنی از زاویه دیگر نیز توجه شده است و حاصل آن که در نظر گرفتن حق زیان دیده و تضمین قانون گذار از آن است که به نظریه تضمین حق شهرت یافته است همه تلاش حقوقدان این است که هر چه بیشتر قواعد مسئولیت مدنی به عدالت نزدیک شود و خسارت زیان دیده به حداقل برسد . تحولات صورت گرفته نیز به همین منظور بوده ، و عملاً به اجرای بیشتر عدالت واقعی کمک کرده است .

در حقوق اسلام که برخلاف قوانین بشری ، بصورت کامل و جامع قوانین آن از وحی و کلام معصومین (ع) ، نشأت می گیرد و نیازی به گذشت زمان برای رفع کاستی ها و نقایص آن نیست . از همان ابتدا به جای توجه به عمل یا قصد عامل زیان ، توجه خویش را به خود زیان و جبران آن معطوف داشته است و اعلام کرده است : « در دین اسلام حکم ضرری وجود ندارد و هیچ کس نباید به دیگری خسارت وارد نماید و در صورت ایراد خسارت مکلف به جبران آن است » .